



### اقدام تروریستی زاهدان

### و کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم

خدایند متعال در آیه ۷ سوره مبارکه منافقون می‌فرماید: *﴿هَٰمُ الّٰذِیْنَ یَقُولُوْنَ لَآئِنْفَعْنَا عَلَیْ مَنْ عِنْدَ رَسُوْلِ اللّٰهِ حَتّٰی ینْفَعُوْا وَ لَیْلَهُ خَزَائِنُ السَّمٰوٰتِ وَ الّٰرِضِ وَ لَکِنَّ الْمُنَافِقِیْنَ لَا یَفْقَهُوْنَ؛ اینها همان مردم بدخواهندند که می‌گویند بر اصحاب رسول خدا انفاق مال مکنید تا (از گردش) بپراکنده شوند (غافل از اینکه) خزائن آسمان‌ها و زمین از آن خداست، ولی منافقین نمی‌فهمند﴾*

در تفسیر نور، ذیل این آیه آمده است: «فردا مادی، تحلیل مادی دارند و فکر می‌کنند مردم برای دنیا دور پیامبر جمع شده‌اند، لذا می‌گویند کمک نکنید تا بپراکنده شوند. لائِنْفَعُوْا… حَتّٰی ینْفَعُوْا…»

محاصره اقتصادی و شعب ابی طالب، دستور معاویه برای محروم کردن یاران امیرالمؤمنین (ع) از بیت‌المال و… تا تلاش‌های متعدد برخی سازمان‌های تروریستی و همچنین تروریسم دولتی به منظور تصویب تحریم‌های ظالمانه علیه جمهوری اسلامی ایران همگی حاکی از آن است که مهم‌ترین نقطه ضعف دشمنان، مسائل اقتصادی و مادیات است، از آن رو که محل آسیب و سبب حیات خود را برای جنبه‌ه اسلام نیز قیاس می‌کنند.حیات فعلی سازمان‌های تروریستی در سایه حمایت‌های اقتصادی از آنها و تأمین مالی آنان است که قطع شریان‌های اقتصادی به عنوان تاکتیک اصلی راهبر داضمحلال سازمان‌های تروریستی در شرایط کنونی، از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و بازیگر جدی این عرصه می‌تواند حقوق کیفری و جرم‌نگاری‌های ملی و بین‌المللی آن باشد.

برای این جهت با تصویب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم در سال ۱۳۹۴ و اصلاحیه آن در سال ۱۳۹۷،اگر مصدیقی از تأمین مالی به شرح مندرج در ماده یک آن قانون کشف شود، مصادره وجوه و اموال به نفع دولت و دیگر مجازات‌های تعزیری مصرح، در انتظار مرتکب خواهد بود و این البته در صورتی است که عمل وی مصداق مجاربه یا فساد فی الارض نباشد. اما اگر این تأمین مالی در خارج از کشور صورت پذیرد، موضوع پرجالش این روزها یعنی کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (Combating the Financing of Terrorism) مصوب ۷ اکتبر ۱۹۹۹ مطرح می‌گردد. اقدام تروریستی زاهدان و شهادت جوانان پاسدار امنیت این سرزمین توسط گروهی صورت گرفت که تأمین مالی آنها توسط عربستان سعودی و امارات متحده عربی صورت می‌گیرد. همانطور که تأمین مالی داعش و دیگر تروریست‌های منطقه توسط آنها و دولت‌های همچون آمریکا صورت می‌پذیرد.

با این اوصاف، سؤال اینجاست‌که آیا کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم در قطع شریان‌های اقتصادی گروه‌های تروریستی موفق بوده و شاهد افول گروه‌های تروریستی هستیم؟!

آیا این کنوانسیون به قدرتی برای پیشبرد اهداف استکباری دولت‌هایی همچون آمریکا و ایجاد محدودیت برای مبارزان واقعی با تروریسم تبدیل نشده است؟!

#### «دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی در دانشگاه عدالت

## نگاره

علی‌نقی‌نژاد \*



### قوانین و مقررات درختی

احتمالاً تاکنون خیلی از مردم با قوانین و مقررات مرتبط و مهم با امر درخت و درختکاری آشنا نبوده‌اند یا خیلی گذرا چیزی‌هایی دیده یا شنیده‌اند. قصد نگارنده از این مطلب کوتاه، ضمن نگاهی گذرا به قوانین و مقررات، تأکید بر تکلیف‌مداری شهروندان جامعه‌نست به محیط پیرامونی و طبیعی خود است. تاکنون مجموعه‌سای قانون راجع به «درخت» و با تصویب رسیدگی که تنها یکی از آنها «معتبر» و مابقی «منسوخ» یا «با اجرا، منتهی» اعلام شده‌اند: «لايحه قانونی راجع به قطع درخت و صدور چوب گردو و دریافت عوارض از چوب‌های صادراتی» مصوب ۱۳۳۱/۱۰/۱۴ که معتبر است، «قانون حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درخت» مصوب ۱۳۵۲/۵/۱۱ مجلس شورای ملی، منسوخ و «لايحه قانونی الغای قوانین،متحدالشکل نمودن لایسه اتباع ایران در داخله مملکت،تشدید مجازات اشخاص بدسابقه و شرور، سکاربران های شکار گاهها و قرق‌های سلطنتی، حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درخت و ماده ۲۹قانون ثبت احوال» مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۳ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران که با اجرا، منتهی شده است.

از سال ۱۲۹۵ تاکنون – غیر از قوانین و مقررات راجع به جنگل‌ها و مراتع – ۴۷ فقره درباره حفظ و نگهداری و درخت و درختکاری به نام «چشن رسیده است که آخرین آن مربوط به تصمصیم‌نامه «ضوابط و اصول فنی، ایمنی سرپررداری و جابه‌جایی درختان» است که در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۲۰ به تصویب جلسه ۲۸۴ شورای اسلامی شهر تهران (دوره چهارم) رسیده است. جالب است بدانید در سال ۱۳۳۷ «آیین‌نامه‌ای به نام «چشن درختکاری» طی ۱۴ ماده به تصویب هیئت وزیران رسیده که در ماده یک مقر داشته است: «روز اول آذر هر سال به‌عنوان روز جشن درختکاری تعیین می‌گردد. در این روز، درس مدارس تعطیل و با سخنرانی و ارائه فیلم، دانش آموزان با فواید درخت آشنا می‌شوند و در جشن درختکاری عملاً شرکت می‌جویند.» اما علت اینکه الان روز ۱۵ اسفندماه به این روز نامیده شده است، مشخص نیست! انقدر روز جشن مورد احترام بوده که در ماده ۱۲ آن گفته شده است: «شب اول آور هر سال سخنرانی مناسمی در مورد فواید درختکاری و از دیدار درخت در کشور، به‌وسیله وزیر کشاورزی یا مدیر عامل ینگاه جنگل‌ها در مرکز و استانداران یا فرمانداران در مراکز استان‌هااز فرستنده رادیویتهران و فرستنده استان‌ها ایراد می‌شود.»

از قدیم‌الایام برای حفظ و نگهداری این مخلوق الهی تلاش‌های زیادی صورت گرفته‌است و از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون – غیر از مواردی که متأسفانه درختخواری‌های متعددی در کشور شکل گرفته – عموم شهروندان به تکلیف خویش نسبت به کاشت درخت، احیای درختکاری در مناطق مختلف تهران و دیگر استان‌ها و… اهتمام‌والایی داشته‌اند.

**دانشجوی دکتری حقوق عمومی**

چهارشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۹۷، ۲۸مرداد۱۳۹۷التاسی، ۱۴۴۰|

روزنامه جوان | شماره ۲۰۷ - ۵۶

سرویس اجتماعی ۰۶۹۸۴۴



# دادرسی یا مجازات

# چه وقت و چگونه متوقف می‌شود؟

**گروه حقوقی روزنامه «جوان» با استناد به قوانین موجود**

## موارد توقف اجرای مجازات و دادرسی را مورد بررسی قرار داده است

<p>جرم‌شناسان معتقدند مجازات مجرم، هدف مطلق نیست، بلکه مجازات وسیله‌ای برای اصلاح و باز پروری یا ارعاب مجرم است. در واقع مجازات راهی است برای اصلاح بزهکار تا به واسطه آن به جامعه برگردد، اما همیشه این اعمال مجازات آثار اصلاحی به دنبال ندارد و در مواردی طبق قانون می‌توان از اجرای مجازات صرف‌نظر کرد که به آن عوامل «سقوط مجازات» یا «توقف دادرسی» می‌گویند. گاهی این عوامل «موقوفی تعقیب» و گاهی «منع تعقیب» است. قرار موقوفی تعقیب در جرائم قابل گذشت در صورت فوت متهم، عفو، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی و… است، اما قرار منع تعقیب در صورتی صادر می‌شود که عمل ارتكابی متضمن وقوع جرم نباشند یا دلایل و ادله کافی برای انتساب و ارتکاب بزه وجود نداشته باشد که در این حالت قرار منع تعقیب یا پیگرد توسط رسیدگی‌کننده صادر خواهد شد. جزئیات این موارد را مورد بررسی قرار داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.</p>	
--	--

جرائم قابل گذشت نیستند مگر در مورد توهین (نسبت دادن جرائم ناموسی) و سرقت. گذشت در جرائمی که قابل گذشت هستند باید ویژگی‌هایی داشته باشد. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: گذشت باید قطعی باشد و نباید با شرط و شروط همراه باشد. یک نکته مهم اینکه اگر از جرمی گذشت صورت پذیرفت، نمی‌توان مجرمیت (قرار جلب به محاکمه) است. توقف دادرسی یا مجازات دوباره از گذشت بازگشت و مجازات منهدم را مطالبه کرد. همچنین اگر در جرمی که اتفاق افتاده چندین زیان دیده وجود داشته باشد، گذشت همه آنها نیاز است و نمی‌شود که یک نفر به جای باشد، تصمصم بگیرد. اگر زیان دیده از جرمی فوت کرده باشد و وراث او باقی مانده باشند، با گذشت همه وراث تعقیب جرم، رسیدگی و اجرای مجازات متوقف می‌شود.

### قرار موقوفی تعقیب

زمانی که تحقیقات مقدماتی به پایان رسید، قاضی تحقیق موظف است قرار نهایی خود را صادر کند و قرار نهایی شامل قرار موقوفی تعقیب (موقوفی پیگرد)، قرار منع تعقیب (منع پیگرد) و قرار مجرمیت (قرار جلب به محاکمه) است. توقف دادرسی یا مجازات به دو حالت شکلی (موقوفی تعقیب) و ماهیتی (منع تعقیب) تحقق پیدا می‌کند.

قراری برخلاف قرار منع تعقیب و جلب به دادرسی است که پس از ختم تحقیقات و رسیدگی صادر می‌شود و در تمام مراحل دادرسی قابلیت صدور دارد و در واقع به طور شکلی صادر می‌گردد؛ به بدین معنا که ادامه تعقیب کیفری به دلیل حدوث عواملی متوقف می‌شود، فارغ از اینکه دلایل متوجه متهم است یا خیر.

قانونگذار موارد صدور قرار موقوفی تعقیب را در ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری اعلام کرده که عبارت است از فوت متهم یا محکوم‌علیه، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت، شمول عفو، فسخ مجازات قانونی، شمول مرور زمان، توبه متهم و اعتبار امر مختوم.

### فوت متهم یا محکوم

این مسئله واضح است که باید هر کس خودش مجازات جرم خود را تحمل کند و نمی‌توان خویشاوندان یا نزدیکان وی را به تحمل مجازات جرم دیگری وادار کرد؛اصلاً خلاف عدالت و انصاف است که کسی را فقط به دلیل خویشاوندی به تحمل مجازات دیگری وادار کنیم، بنابراین با فوت محکوم همه مجازات‌ها حتی جزای نقدی منتفی می‌شود فقط دیه باید پرداخت شود و این حق با فوت مجرم از بین نمی‌رود. همچنین رد مال، ضبط و مصادره اموال نیز اجراشدنی هستند، به طور مثال در سرقت حتی اگر سارق فوت کند، باید مال فرد مالباخته به او رد شود.

### گذشت شاکی

معمولاً جرمی که اتفاق می‌افتد و از آن شکایت می‌شود قابل گذشت نیست مگر مواردی که قانونگذار به طور صریح بیان نماید که جرم قابل گذشت است،بنابراین وقتی در قانون مشخص نشده جرمی قابل گذشت است یا خیر، باید جرم را غیر قابل گذشت دانست، مگر مواردی که حق الناس و از نظر شرعی قابل گذشت باشد.

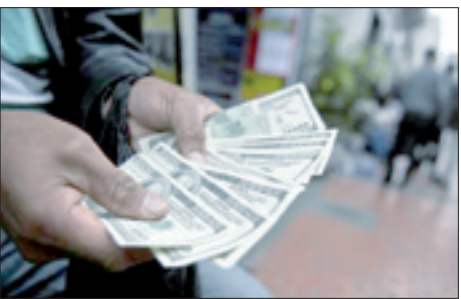
برخی از جرائم قابل گذشت به شرح ذیل است:

حد قذف و حد سرقت، تحصیل سند یا نوشته یا سوءاستفاده از ضعف نفس اشخاص، توهین به افراد از قبیل فحاشی و به کار بردن واژه‌های رکیک، سقط جنین ناشی از ضرب و اذیت و آزار عمدی زن حامله، امتناع از دادن طفل سپرده شده، رها کردن طفل یا شخصی که قادر به محافظت از خود نیست در محل خالی از سکنه، ترک انفاق زوجه و افراد واجب‌التفقه،افشای اسرار حرفه‌ای، تهدید، تحریق اشپای منقول، تصرف عمدی اشیای منقول و غیرمنقول، از بین بردن حیوان حلال گوشت دیگری بدون ضرورت یا حیواناتی که شکار آنها توسط دولت ممنوع است، سوزاندن یا اتلاف عمدی اسناد تجاری و غیر تجاری دولتی، قطع یا از بین بردن اصل نخل خرما توسط باغ و محصول دیگری، قطع یا از بین بردن اصل نخل خرما بدون مجوز قانونی، تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق، تصرف ملک غیر به قهر و غلبه، ورود به عنف یا تهدید در منزل یا مسکن غیر، افتراء، هتک حرمت، نشر اکاذیب، افتحاری عملی، هجو و صدور چک پرداخت نشدنی. در جرائمی که مجازات آنها اقصای است، کسی که صاحب حق قصاص است در هر مرحله‌ای از مراحل تعقیب، رسیدگی یا اجرای حکم می‌تواند به صورت مجانی یا با صلح کردن در برابر حق یا مال گذشت نماید. مثلاً صاحب حق می‌گوید در قبال فلان مبلغ از حق قصاص خودم گذشت می‌کنم که این مبلغ می‌تواند کمتر از دیه یا بیش از آن باشد.

یکسری جرائم هم هستند که دقیقاً مجازات آنها مشخص شده و برای جرائم خاصی است که به آنها جرم حدّی می‌گویند. این

# جوان

سیدمحمد مهدی غمامی \*



### مسئب حقوقی بازار ارز

در مباحث حقوقی «اصل صلاحیت» مبین این قاعده حقوقی است که اختیارات مراجع قانونی صرفاً به موجب قانون ایجاد می‌شود و تا هر میزان که قانون تصریحی داشته باشد منحصر به همان تصریح قانون و نه بیشتر، صلاحیت تکلیفی یا تحبیری به همراه مسئولیت پاسخگویی ایجاد می‌شود، ضمن اینکه هیچ ماده‌ای به تنهایی و خارج از نظام حقوقی موجب صلاحیت نیست و ممکن است یک ماده با مجموعه‌ای از اصول و مواد قانونی به ترتیبی معقدتر از حکم قانونی یک ماده مستقل بر قلمروی آن صلاحیت دلالت کند. از سوی دیگر وقتی صلاحیتی برای یک مقام یا نهاد ایجاد شد، باید نسبت به نحوه به کارگیری و حتی عدم به‌کارگیری آن به‌نحو حقوقی و حسب مورد سیاسی یا اداری پاسخگو باشد.

مسئله بازار متلاطم و مشتت ارز، یکی از مسائل جدی مربوط به چالش اصل صلاحیت و نحوه به‌کارگیری آن است، چراکه در عمل از یکسو دولت و برخی از وزارخانه‌ها، به ویژه وزارت صنعت، معدن و تجارت در این بازار مداخلات قابل توجهی انجام می‌دهند و از سوی دیگر بانک مرکزی به عنوان تنظیم‌گر این بازار با استفاده از اختیارات متعدد از جمله صدور دستورالعمل‌ها، مجوزها واقدامات متنوع نظارتی استفاده می‌کند.ماحصل این مداخلات متنوع و مشتت، بازار بی ثبات و آزاردهنده شده است.

در واقع مشکل هم ناظر به قانون و هم نحوه اعمال آن توسط مجموعه نهادهای ذی‌مدخل است.

**الف – قانونگذاری غیر کارشناسی و مقررات‌گذاری**

مشکل اول به قانونگذاری غیر کارشناسی و مقررات‌گذاری‌های مربوط برمی‌گردد، چراکه در تبصره ه (۳) ماده (۷) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز – مصوب ۱۳۹۰ همه اختیارات مربوط به حدود و مقررات را به دولت می‌دهد: «دولت محدود مقررات استفاده از ارز را تعیین می‌کند.»

در حالی که بانک مرکزی به نمایندگی از کل حاکمیت و وفق ماده (۱۰) قانون پولی و بانکی (مصوب ۱۳۵۱) مسئولیت تنظیم بازار پولی و اعتباری و مطابق بند(ج) ماده(۱۱) همین قانون مسئول «تنظیم مقررات مربوط به معاملات ارزی و تعهد یا تضمین پرداخت‌های ارزی با تصویب شورای پول و اعتبار و همچنین نظارت بر معاملاتارزی» است.

در شرایطی که بازار پولی و ارزی کشور، بسیار بی ثبات و تدابیر ضعیف دولت موجب تشدید مفاسد عمده ارز شده بود، حسب دستور مقام معظم رهبری تیم اقتصادی دولت تغییر و تحولی پرفراز و نشیب بانک مرکزی عامل کاهش قیمت ارز را ۱۸ هزار تومان به ۹ هزار تومان را باعث شد، اما بی‌تدبیری ساختاری و تأکید دولت و وزارت صنعت و معدن و تجارت بر اعطای تسهیلات بانکی تحت عنوان «بدون انتقال ارز» در مصوبات متعدد از جمله مصوبه ۱۶ دی‌ماه ترخیص خودروهای غیرقانونی ثبت سفارش ارز با مصوبه جلسه نوزدهم دی‌ماه ۱۳۹۷ هیئت وزیران در خصوص ملزومات خطوط تولید، مجدداً عامل افزایش قیمت شد، چراکه صرفاً ۳۰ درصد از خارج شده از کشور به کشور باز می‌گردد و این در حالی است که رئیس بانک مرکزی در رستری به سیاست‌های نظارتی و کنترلی ارز و باز گشت منابع ملی به کشور تأکید دارد. از نظر عبدالناصر همتی، واردات بدون انتقال ارز موجب می‌شود منشأ تأمین ارز جهت واردات خودرو منخص نباشد و برخی تجار ذی نفوذ (و نه غالب آنها) از این سیاست‌ها و تصمیمات غیر شفاف و فسادز احداکتر سوءاستفاده را کرده و عامل اضرار خسارت‌بار به کشور می‌شوند.

**ب – فقدان نظارت قاطع و فوق‌العاده**

هرچند بانک مرکزی خود یک نهاد ناظر نیز است ولی به دلیل دولتی بودن در مواردی نمی‌تواند مانع خروج از الزامات قانونی مربوط به منافع ملی شود. اینجا لازم است قوه قضائیه با استفاده از اختیارات موضوع اصل (۱۵۶) قانون اساسی اقدامات لازم را انجام دهد. در چنین شرایطی انتظار می‌رود دادستان کل وفق ماده (۲۹۰) قانون آیین دادرسی کیفری و سازمان بازرسی کل کشور با ایجاد کار گروه‌های تخصصی اقتصادی، از طریق دیوان عدالت اداری مانع اتخاذ تصمیمات بی‌ثبات کننده بازار و معایر مصالح ملی شوند. به عبارت دیگر همانطور که دادستان باید مدعی‌العموم و پاسدار منافع ملی باشد و سازمان بازرسی کل کشور باید اقدام به ارسال گزارش‌های بازرسی در ارتباط با آیین نامه و تصویب‌نامه و بخشنامه و دستورالعمل‌های صادره که حاکی از تشخیص تخلف به دیوان عدالت اداری باشد، نماید. سؤال این است که چرا اقدام مستقیم صورت نگرفته‌است به ویژه اینکه طبق قانون پیش گفته رسیدگی به گزارش‌های سازمان بازرسی خارج از نوبت و به‌صورت فوق‌العاده است.

**\* استاد دانشگاه امام صادق**

## پیش‌ش حقوقی



**■ میزان نققه چگونه محاسبه می‌شود؟**

میزان نققه زوجه بسته به شان زن توسط داد‌گاه خانواده و با راجاع به کارشناس امور خانواده تعیین می‌شود.

**■ رسیدنی را به مبلغ مشخصی به فردی دادم. آ یا در صورت**

**شکایت شخص، سوء پیشینه محسوب می‌شود؟**

رسید دادن شما در یک امر حقوقی است. امر حقوقی سوء پیشینه ایجاد نمی‌کند. مسائل کیفری خاص می‌توانند سوء پیشینه ایجاد کنند.

**■ اگر بعد از پرداخت اولین قسط مهر به وقفه‌ای در پرداخت دومین قسط رخ بدهد، آیا زن‌دان یا جزای دیگری شامل زوج می‌شود؟**

زوجه می‌تواند تقضای جلب و حبس کند.

**■ از بنده شکایت شده و محکوم به پرداخت ۴۶میلیون شده‌ام. شما کی از همان ابتدا در داد‌خواست درخواست تاخیر تادیه**

**نکرده است و اینجانب به‌طور قسطی ماهانه محکوم پرداخت یک‌میلیون شده‌ام و ۲۶میلیون را پرداخت کرده‌ام، حال آیا شاک**

**۴۶ میلیون تاخیر تادیه می‌گیرد یا روی ۵۰میلیون باقی مانده؟**
روی تاخیر تادیه حتما داد‌گاه باید رای بدهد و زمان شروع آن را تعیین کند. بدون حکم داد‌گاه تکلیف به پرداخت ندارد. معمولاً شروع زمان محاسبه تأخیر تادیه، تاریخ مطالبه از سوی خواهان است که می‌تواند تاریخ ارسال اظهار نامه باشد یا تاریخ ثبت داد‌خواست. در مورد چک تاریخ چک ملاک است.